

قزوین

بواسطه حکیم الهی

میانج

جناب آقا سید عبدالله علیه بهاء الله الأبھی

هو الله

ای منجذب نفعات الله نامه مرقوم ملاحظه گردید مضمون مشحون بانجذابات روحانیه و ثبوت و رسوخ بر میثاق الهی بود از قرائت مسرت رخداد از فضل حضرت احدیت امید و طید است که همواره بنسائم جنت ابھی در نهایت طراوت و لطافت و روحانیت باشی و شب و روز بنشر آثار و سطوع انوار و بیان اسرار وقت خویش را بگذرانی تا در آن صفحات آیات باهرات جلوه نماید و رایحه طیبه محبت الله باوج اعلی رسد الیوم منبع تأیید و مهبط توفیق تبلیغ است هر نفس زبان بیان برهان گشاید و حضرت یزدان را بستاید و محافل را بذکر اسرار الهی بیاراید البتّه بجنود ملاً اعلی مدائن قلوب بگشاید اینست تکلیف کلّ تا بدرقه عنایت چه نفسی را قیام دهد و بر آنچه باید و شاید مستدام دارد مرا آرزو چنان که شما سراج و هاج آن زجاج گردید و نور باهر آن مشکات شوید یاران الهی را پیام این زندانی برسان و عذر تحاریر مخصوصه بنخواه زیرا مجال ممتنع و محال است اگر در هر ساعتی هزار تحریر از قلم جاری گردد باز کفایت ننماید و حال آنکه مشاغل سائره و غوائل حاصله بکلی مانع از تحریر است معذلک بمفاد چاره اکنون آب و روغن کردنیست باز بقدر قوه بتحریر پردازم که شاید یاران را بنوازم شما از قبل من بهر یک تحیت مشتاقانه و تکبیر ابداع ابھی در نهایت محبت و وفا ابلاغ دارید اگر اثر قلم مفقود است ولی احساسات قلب موجود و نامه حقیقی روح محبت صمیمی است از این جهت قصور ممتنع و محال و در جمیع احوال یاد یاران و محبت دوستان مونس دل و جان

جناب آقا میر آقا را بزبانی شیرین و بیانی نمکین و کلامی بلیغ و نطقی فصیح از قبل این عبد تحیت و تکبیر تبلیغ نمائید خدمات ایشان سبب سرور قلوب و انجذاب نفوس است فی الحقیقه در جمیع شئون قصور ندارند و منجذب فیوضات مجلی طورند و یقین است که مظهر تأیید موفور گردند و بنظر عنایت جمال مبارک روحی لأحبائهم الفداء منظورند و همچنین سائر یاران میانج را بجان و دل مشتاق دیدارم

و عاشق خاکسار جناب میرزا یعقوب را خادمم زیرا خادم یاران است و ثابت پیمان و سبب اجتماع و التیام دوستان
امه الله المقرّب طاووس را بعنایت ربّ قدیم محفوظ و مانوس کن آن ورقه منجذبه فی الحقیقه آیت باهره است و سبب
تنبّه و تذکر اماء رحمن

جناب حاجی صادق را شائقم و بذکر حضرت احدیت در نهایت شور تحیت و تکبیر ابلاغ مینمایم

جناب آقا میرزا محمد را مدح و حمد نمایم زیرا قلبی نورانی و روحی ربّانی دارد

جناب آقا محمد اسماعیل مانند خلیل جلیل سر تسلیم دارد و جاحتی جز بر ربّ کریم نیارد

جناب آقا حسین امیدوارم که شهره مشرقین و مغربین گردد و بشیدائی و سودائی و محبت بهائی رسوای عالم شود

جناب آقا شیخ محمد ابراهیم مانند ابراهیم اصنام اوهام اقوام بشکنند و بوحدانیت حضرت احدیت هدایت فرماید

جناب آقا علی اکبر قمی البتّه آن کشور را بنسیم جان پرور معطر و معتبر فرماید

جناب آقا علی همیشه در خاطر این عبد فانی است ابداً فراموش ننماید

جناب آقا عبدالله عبارت از جمع عبد است یعنی فردیست که مانند جمع است حکم نفوس کثیره دارد

جناب حاجی یوقده امیدوارم که نار موقده شود و افندۀ نفوس هامدۀ خامده را برافروزد
جناب مهدی قلی میرزا یادگار آن گل رعنا و شجر حدیقۀ وفا موزون میرزاست مثنوی گوید
چون که گل رفت و گلستان شد خراب
بوی گل را از که جوئیم از گلاب

الحمد لله با نجابت اعراق وارث حسن اخلاق آن ثابت بر میثاق است
جناب کربلائئى محمد هادی خادم مشرق الأذکار مخدوم منست یعنی من خادم او هستم زیرا خادم جمال مبارکست و
در مشرق الأذکار جاروب کش است این خدمت نیست سلطنت است و این امر عادی نیست صرف موهبت است و علیک و
عليهم البهَاء الأبھی فی کلّ عالم من عوالم اللّٰه ع ع

این سند از [کتابخانه منابع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دایرود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۷ فوریه ۲۰۲۴، ساعت ۵:۰۰ بعد از ظهر